


# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هجدهم، شماره ۶۸، پاییز ۱۴۰۳  
صفحه ۳۰۵ تا ۳۳۰

## دولت شکننده‌ی افغانستان و تهدیدات امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر بازه زمانی ۲۰۲۱ به بعد)

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

محمد تقی محقق 

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ژانت بلیک  \*

### چکیده

کشور افغانستان را باید یکی از مهم‌ترین کشورها با دولتی شکننده در دنیای امروز دانست. کشوری که تحت حاکمیت طالبان با اندیشه و عمل خاص زمینه‌ی تهدیدات امنیتی و اقتصادی و سیاسی-اجتماعی متعددی در داخل و خارج کشور خود شده‌اند. ایران با داشتن مرزهای طولانی مشترک در خط مقدم مواجهه با نتایج ناکارآمدی و شکنندگی دولت افغانستان طی چند دهه‌ی اخیر بوده است؛ با توجه به این موضوع مقاله حاضر با تأکید بر تاثیرات امنیتی این کشور بر جمهوری اسلامی ایران به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان وضعیت شکننده‌ی دولت افغانستان موجب چه تهدیدات و چالشهای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران شده است و برای کاهش این تهدیدات چه راهکاری وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال به عنوان فرضیه باید گفت وضعیت شکننده و بی‌ثبات دولت افغانستان ذیل حاکمیت طالبان در مدیریت و حل چالشهایی خود باعث شده است تا تهدیداتی چون رفتار طالبان با شیعیان افغانستان، رویکرد قوم‌گرایانه و انحصاری در تشکیل دولت، گسترش فعالیت‌های تروریستی، تأمین امنیت مرزها، مهاجرت غیررسمی مهاجرین افغانی، مساله حجاب هیرمند و قاچاق موادمخدر از مهمترین تهدیدات امنیتی افغانستان برای ایران است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر وجود چالش‌های مذکور به عنوان تهدیدات امنیتی برای ایران صحنه گذاشته و مداخله سازمان‌های بین‌المللی با همراهی و مشارکت کشورهای همسایه افغانستان و قدرتهای فرامنطقه‌ای به منظور تقویت کارآمدی و قدرت دولت در افغانستان در چارچوب اعمال دکترین مسئولیت حمایت می‌تواند اثرات این تهدیدات امنیتی را برای ایران کاهش دهد. پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

**کلیدواژه:** افغانستان، دولت شکننده، تهدیدات امنیتی، ایران، طالبان

\* نویسنده مسئول: j-blake@sbu.ac.ir

تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱




The Islamic Revolution Approach Quarterly

Vol. 18, No.68, Fall 2024, P 3-18

rahyaftjournal.ir

## The Fragile State of Afghanistan and Its Security Threats to the Islamic Republic of Iran (Focusing on the Time Period from 2021 Onwards)

Mohammad Taghi  
Mohaghegh 

PhD Student in International Law, Shahid Beheshti  
University

Janet Blake \*

Associate Professor, Faculty of Law, Shahid  
Beheshti University

### Abstract

Afghanistan must be considered one of the most important countries with a fragile government in today's world. A country under Taliban rule with specific ideologies and actions has become a source of numerous security, economic, and socio-political threats both domestically and internationally. Iran, with its long shared borders, has been on the front lines facing the consequences of Afghanistan's government inefficacy and fragility for several decades. With this in mind, the current article, focusing on the security impacts of this country on the Islamic Republic of Iran, seeks to answer the question: What threats and security challenges has the fragile state of Afghanistan caused for the Islamic Republic of Iran following the Taliban's return to power, and what solutions exist to mitigate these threats? In response to this question, it must be hypothesized that the fragile and unstable situation of the Afghan government under Taliban rule in managing and solving its challenges has led to threats such as Taliban behavior towards Afghan Shiites, ethnocentric and exclusive

---

\* Corresponding Author: j-blake@sbu.ac.ir

**How to Cite:** Mohaghegh, M. T., Blake, J. (2024). The Fragile State of Afghanistan and Its Security Threats to the Islamic Republic of Iran (Focusing on the Time Period from 2021 Onwards), *The Islamic Revolution Approach Quarterly*, 18(68), 3-18.

Received: 21/03/2024

Accepted: 17/06/2024

approaches in forming the government, the expansion of terrorist activities, securing borders, irregular migration of Afghan migrants, issues regarding the water rights of the Helmand River, and drug trafficking as the most significant security threats to Iran from Afghanistan. The research findings affirm that the presence of these challenges as security threats to Iran is acknowledged, and intervention by international organizations along with the cooperation of neighboring countries of Afghanistan and extra-regional powers to enhance the efficacy and power of the state in Afghanistan within the framework of the Responsibility to Protect doctrine could reduce the effects of these security threats for Iran. The current research is based on a descriptive-analytical method, and its data has been collected through library resources.

### Introduction

The transition of power in Afghanistan has led to significant changes in its governance structure, with the Taliban assuming control. This study evaluates the resulting state of governance, focusing on the aspects of political instability and weak state capacity that threaten both internal security and developmental prospects.

### Main Body

Since the Taliban's takeover, Afghanistan has faced numerous governance challenges, including a lack of international recognition and internal legitimacy. The research highlights key areas where governance has faltered, particularly in ensuring security, providing basic services, and maintaining economic stability.

- **Security Challenges:** The paper examines how the absence of a robust security infrastructure has led to increased internal conflicts and threats from various insurgent groups. The lack of effective policing and military oversight has exacerbated the security vacuum, leading to widespread instability.

- **Administrative Challenges:** The study delves into the administrative issues plaguing the country, such as corruption, inefficiency, and the absence of skilled personnel in critical sectors. These problems are compounded by the international community's hesitance to engage directly with the Taliban-led government, resulting in limited foreign aid and support.

- **Humanitarian and Developmental Issues:** The paper also addresses the dire humanitarian situation, marked by poverty,

displacement, and lack of access to essential services like healthcare and education. The economic downturn, exacerbated by sanctions and the cessation of international aid, has led to a crisis situation with severe implications for the civilian population.

The research methodology includes interviews with local officials, international experts on Afghan politics, and analysis of secondary data from international organizations. The findings indicate a critical need for establishing a more inclusive government that can address the myriad challenges facing the state.

### **Conclusion**

The study concludes that Afghanistan's current governance crisis requires urgent international attention and cooperation. Recommendations include the need for a structured international engagement strategy that does not compromise on human rights and governance standards. The research underscores the importance of building a governance framework that is inclusive, transparent, and capable of addressing the complex socio-economic challenges faced by the country.

Overall, this detailed analysis provides insights into the challenges of rebuilding state capacity in Afghanistan under the Taliban's rule. It highlights the urgent need for comprehensive strategies to stabilize the country and ensure a sustainable future for its people.

**Keywords:** Afghanistan, Fragile State, Security Threats, Iran, Taliban.

## مقدمه

امنیت و توسعه یک نگرانی عمده برای افغانستان است، زیرا این کشور با چالش های بی شماری که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارند، مواجه است. با توجه به موقعیت جغرافیایی مهم آن، افغانستان به عنوان پل ارتباطی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی عمل می کند. این کشور دارای جمعیت متنوعی است و گروه های قومی متشکل از پشتون ها، هزاره ها، تاجیک ها، ازبک ها و ترکمن ها هستند. این گروه ها نشان دهنده جمعیت کشورهای همسایه هستند که بر دخالت بازیگران خارجی در امنیت افغانستان تأکید می کنند. مرزهای امروزی افغانستان نتیجه یک «بازی بزرگ» در قرن نوزدهم برای ایجاد یک فضای حائل بین هند بریتانیا و امپراتوری روسیه است (Verma, 2022: 260). اما واقعیتی که در باب کشور افغانستان پس از حمله شوروی سابق به این کشور در سال ۱۹۷۹ میلادی تا به امروز جاری است چرخه ی معیوب تداوم حاکمیت و دولت های شکننده او متعاقب آن عقب ماندگی آن در تمامی حوزه های زیست انسانی است. افغانستان به عنوان همسایه مهم و تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی، طی سه دهه اخیر همواره جز کشورهایی بوده است که دولت های حاکم بر آن به عنوان دولت های شکننده مطرح بوده است. این شکنندگی به منظور اداره امور کشور چه در داخل و چه در خارج از افغانستان در دوران ظهور مجدد طالبان و بازپس گیری قدرت سیاسی این کشور تشدید شده است. پس از تهاجم به رهبری ایالات متحده که رژیم اولیه ی طالبان را در سال ۲۰۰۱ سرنگون کرد، طالبان در آن سوی مرز پاکستان مجدداً جمع شدند و کمتر از ده سال پس از سرنگونی آنها شروع به بازپس گیری قلمرو کردند. تا اوت ۲۰۲۱، طالبان دوباره به قدرت رسیدند. حمله سریع آنها زمانی انجام شد که ایالات متحده نیروهای باقیمانده خود را از افغانستان خارج کرد، همانطور که در توافقنامه صلح ۲۰۲۰ با این گروه مشخص شده بود.

در حالی که برخی کارشناسان معتقدند بودند این توافق صلح مشروط ابزاری برای حفظ چهره دولت ترامپ است، برخی دیگر بر این عقیده اند که هدف اصلی توافق صلح بازگرداندن نیروهای آمریکایی از افغانستان است. این توافق برای بازگرداندن صلح نیست، بلکه یک ترفند انتخاباتی برای به دست آوردن پایگاه رأی دهندگان ترامپ و تضمین انتخاب مجدد ترامپ است. با عقب نشینی نیروها، دولت ترامپ «در صلح با جنگ» در

---

<sup>1</sup> . Fragile State

افغانستان است. (Strategic Comments, 2019: 17). اما با روی کار آمدن جو بایدن، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا و تصمیم وی برای خروج نیروهای این کشور از افغانستان، نیروهای پیش‌رونده‌ی طالبان به طور روزافزون نقاط مختلف کشور را تسخیر کرده و قدرت سیاسی را پس از خروج ناگهانی اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان، تصاحب نمودند. نحوه‌ی بازگشت مجدد طالبان به قدرت به عقیده‌ی برخی از کارشناسان باید به دیده‌ی شک نگریست؛ زیرا مقاومت اندکی در برابر آن صورت گرفت در حالی که آمریکا از قبل چراغ سبز این تسخیر را با توافق و رفتار خود به طالبان داده بود (Bharti, 2023: 151-176; Solhdoost & Pargoo, 2021: 146-151). از سوی دیگر ظهور مجدد طالبان را برخی دیگر دلیلی بر وجود یک متغیر کنترل‌کننده یا مختل‌کننده‌ی امنیت ایران نیز از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدین این کشور در منطقه خلیج فارس همچون عربستان سعودی و پاکستان می‌دانند (Maizland, 2023). بازگشت حاکمیت طالبان بر افغانستان پیامدهای مهمی برای منطقه و سیاست بین‌المللی به‌طور گسترده‌تر خواهد داشت. برای جمهوری اسلامی ایران، شکست واشنگتن در افغانستان چیزی بیش از پیروزی طالبان است. این امر به عنوان تأییدی بر این امر مطرح شده است که سیاست ایالات متحده در جهان اسلام محکوم به شکست است. تهران در پیام‌های خود سعی کرده این ایده را برای شرکا و متحدان خود تقویت کند که تنها بازیگر قابل اعتماد در خاورمیانه است، در تقابل با واشنگتن ظاهراً غیرقابل اعتمادی که عزم استراتژیک ندارد. با این حال، این دستاوردهای ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک فوری می‌تواند تحت الشعاع چالش‌های بالقوه‌ای قرار گیرد که افغانستان تحت حاکمیت طالبان ممکن است برای امنیت و منافع منطقه‌ای ایران در درازمدت ایجاد کند. نحوه‌ی مدیریت چالش‌ها و تضادهای پیش‌آمده در داخل افغانستان و خارج از این کشور از سوی نظام تدبیر و اداره‌ی طالبان نشان‌دهنده‌ی ناتوانی حاکمان این کشور دارد. همین امر در برخی مقاطع زمانی اثرات سویی بر روابط ایران و افغانستان داشته است.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا تهدیدات امنیتی ایجاد شده برای جمهوری اسلامی ایران در دوران ظهور مجدد طالبان از سال ۲۰۲۱ به بعد را بررسی نماید؛ به همین دلیل سؤال اصلی مقاله بدین ترتیب است: پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان وضعیت شکننده‌ی دولت افغانستان موجب چه تهدیدات و چالش‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران شده است و برای کاهش این تهدیدات چه راهکاری وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال به عنوان فرضیه باید گفت ناتوانی و شکنندگی طالبان در مدیریت و حل چالش‌هایی

خود باعث شده است تا تهدیداتی چون رفتار طالبان با شیعیان افغانستان، رویکرد قوم-گرایانه و انحصاری در تشکیل دولت، گسترش فعالیت‌های تروریستی، تأمین امنیت مرزها، مهاجرت غیررسمی مهاجرین افغانی، مساله آب و حبابه و قاچاق مواد مخدر از مهمترین تهدیدات امنیتی افغانستان برای ایران است و به نظر می‌رسد مداخله سازمانهای بین‌المللی با همراهی و مشارکت کشورهای همسایه افغانستان و قدرتهای فرامنطقه‌ای به منظور تقویت کارآمدی و قدرت دولت در افغانستان در چارچوب اعمال دکترین مسئولیت حمایت می‌تواند اثرات این تهدیدات امنیتی را برای ایران کاهش دهد. پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

### ۱. پیشینه تحقیق

صفوی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نوطالبانیسم در افغانستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» در چارچوب نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که نبود انسجام داخلی در افغانستان و ناتوانی طالبان در اعمال حاکمیت بر کشور و به دلیل فرایند ناقص دولت‌سازی امنیت ایران را تحت تأثیر خود قرار داده و خواهد داد. عباس زاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «طالبان و بازیابی حاکمیت: جنبش قوی، دولت ملت ضعیف» به تأثیرات برآمدن مجدد طالبان در افغانستان در سال ۲۰۲۱ پرداخته‌اند. نویسندگان در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان قدرت‌گیری دوباره طالبان را تحلیل کرد؟ به این نتیجه رسیده‌اند که جنبش قومی مذهبی طالبان با اتکا به عنصر عصبیت، در بستر جامعه‌ای گسسته و دولت ورشکسته و تقارن با شرایط مناسب بین‌المللی، موفق به تسخیر دوباره حکومت در افغانستان شد.

ورما (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «توافق صلح ایالات متحده و طالبان و قدرت‌های منطقه‌ای به عنوان مختل‌کنندگان بالقوه: ایران به عنوان مطالعه موردی» معتقد است اجماع گسترده‌ای وجود دارد که توافق صلح ایالات متحده و طالبان به صلح و ثبات در افغانستان نمی‌انجامد و نقش قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران و پاکستان و منافع آنها و تأثیر آنها بر توافق صلح آمریکا و طالبان را نادیده گرفته شده است. نویسنده در این مقاله بر این باور است و چنین نتیجه گرفته است که سه عامل: تسلط طالبان بر دولت فراگیر وحدت ملی یا تلاش برای ایجاد امارت اسلامی از طریق نیروی نظامی و تضاد منافع ایران و پاکستان، ادامه آزار و اذیت شیعیان و هزاره‌ها توسط طالبان و بدتر شدن وضعیت ایالات متحده و ایران، باعث مداخله ایران در امور داخلی افغانستان و طالبان در راستای اهداف امنیتی و راهبردی خود می‌گردد.

صلح دوست و پَرگو (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «چالش‌های امنیتی غیرسنّتی ایران تحت حاکمیت طالبان» بر این باورند که پیوندهای قوی تاریخی، فرهنگی، زبانی و مذهبی ایران و افغانستان را در منطقه بزرگ خاورمیانه محدود کرده است ولی با خروج ایالات متحده از افغانستان و تسلط طالبان در اوت ۲۰۲۱، ایران احتمالاً با تشدید چالش‌های امنیتی غیرسنّتی موجود و ظهور تهدیدهای جدید مواجه خواهد شد. ایران همچنان با قاچاق مواد مخدر، هجوم پناهندگان و مهاجران اقتصادی و تروریسم که بخشی از آن به دلیل بیش از چهار دهه جنگ در افغانستان ایجاد شده است، مقابله می‌کند. اگرچه مقامات ایرانی خروج ایالات متحده (ایالات متحده) را تشویق کرده‌اند و نسبت به طالبان خوش بینی محتاطانه‌ای ابراز کرده‌اند، اما انتخاب سیاست تهران در قبال افغانستان و حاکمان جدید آن هنوز مشخص نشده است. در نهایت نویسندگان نتیجه می‌گیرند که ایران احتمالاً به سیاست تعامل با طالبان ادامه خواهد داد، مگر اینکه دولت کابل دوباره با دشمنان تهران متحد شود و تهدیدات امنیتی برای ایران ایجاد کند. در وضعیت اخیر، ایران، احتمالاً سیاست خود در قبال افغانستان را از سیاست عراق الگوبرداری می‌کند.

توخی (۲۰۲۲) در مقاله خود با عنوان «واکنش ایران به بازگشت به قدرت طالبان در افغانستان» تلاش کرده است تا عوامل و پیامدهای واکنش ایران به بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان را تحلیل کند. نویسنده معتقد است با تسلط مجدد طالبان بر افغانستان، ایران به احتمال زیاد شاهد کاهش نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در این کشور خواهد بود. ایران شیعه از دورنمای انحصار و تحکیم قدرت یک گروه افراطی سنی در مرز شرقی خود ناراحت است. با این حال، در حال حاضر، رهبران ایران تصمیم به تعامل با طالبان گرفته‌اند؛ این سیاست ایران عمدتاً ریشه در این واقعیت دارد که نگرانی اصلی این کشور در این است که بی‌ثباتی سیاسی و شکنندگی اقتصادی در افغانستان ممکن است به تقویت دولت اسلامی داعش کمک کند. نویسنده نتیجه گرفته است که معضلی که ایران با آن روبروست این است که انتخاب‌های کوتاه مدت سیاستی آن در قبال افغانستان تحت سلطه طالبان ممکن است خطرات بلندمدتی را برای ایران به همراه داشته باشد. از سوی دیگر سیاست تعامل ایران با طالبان ممکن است تثبیت قدرت این گروه را تسهیل کند. همچنین می‌تواند موقعیت رقابتی منطقه‌ای ایران در افغانستان را تقویت کند.

امعان نظر در مقالاتی که طی دو سال گذشته از زمان ظهور مجدد طالبان بر افغانستان و نتایج امنیتی آن برای محیط پیرامونی این کشور به ویژه برای ایران، نشان می‌دهد که مساله دولت ناتوان و تاثیر آن در زمینه سازی چالش‌های امنیتی برای ایران کمتر مورد توجه

پژوهشگران قرار گرفته است. به همین منظور نوآوری و بداعت مقاله حاضر تحلیل پیوند این دو مولفه در موضوع مورد نظر است.

### ۳. چارچوب نظری: دولت شکننده

از زمان کنگره وستفاليا در اواسط هفدهم، مشروعیت یک دولت ملی مبتنی بر یک سرزمین به رسمیت شناخته شده، توانایی انجام وظایف دولتی به اندازه کافی از جمله در زمینه های پولی و امنیتی، و انحصار خشونت در قلمرو آن است. بر عکس، یک دولت شکست خورده کشوری با دولتی است که نمی تواند کالاهای اساسی سیاسی و خدمات عمومی را به شهروندان خود ارائه دهد. دولت های شکست خورده دیگر نمی توانند کارکردهای اساسی مانند امنیت آموزش یا حکومت را انجام دهند، که معمولاً به دلیل خشونت نادرست، ضعف نهادها یا فقر شدید است. به عقیده روتبرگ «دولت-ملت ها به دلیل خشونت داخلی شکست می خورند و دیگر نمی توانند کالاهای مثبت سیاسی را به ساکنان خود برسانند. دولت های آنها مشروعیت خود را از دست می دهند و ماهیت خود دولت-ملت خاص در چشم و در قلب کثرت روزافزون شهروندانش نامشروع می شود» (Rotbeg, 2003:1-25).

با این حال، دولتها نه تنها به دلیل عوامل داخلی شکست می خورند. دولت های خارجی همچنین می توانند با دامن زدن به جنگ های قومی یا حمایت از نیروهای شورشی، یک دولت را بی ثبات کنند و باعث فروپاشی آن شوند. همانطور که گفته شد، بسیاری از کشورهای بی ثبات که از هم پاشیده می شوند، نه در یک انفجار جنگ و خشونت، بلکه با ناتوانی در استفاده از پتانسیل اقتصادی جامعه خود برای رشد، شکست می خورند و شهروندان خود را به فقر و سرکوب یک عمر محکوم می کنند. اغلب رشد مبتنی بر منابع استخراج منجر به تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی می شود و از این رو شکاف های ثروت را افزایش می دهد که باعث ناامیدی و بی نظمی می شود. بحران متعاقب میانجی گری های اجتماعی، بسیاری از کشورهای آفریقای جنوب صحرا، آسیا و آمریکای لاتین را با چرخه ای از تحولات سیاسی-اجتماعی، سرکوب، خشونت و کاهش استانداردهای زندگی مواجه می کند. ونزوئلا نمونه بارز آن دیالکتیک است (Kamrava, 2016: 36).

در نگاهی کلی می توان «دولت شکننده» را به عنوان دولتی تعریف کرد که چارچوب نهادی آن برای ارائه فرصت های برابر برای توسعه پایدار و فراگیر ضعیف تر از آن است. در نتیجه، ضعف های نهادی باعث ایجاد بحران میانجی گری های اجتماعی می شود که در آن احزاب، اتحادیه ها، نهادهای اجتماعی و نخبگان محلی اعتبار خود را برای رسیدگی به

نامیدی و مطالبات اجتماعی از دست می‌دهند و در نتیجه تنش‌ها افزایش می‌یابد. در این چارچوب مفهومی «دولت شکننده» حالتی است که به طور قابل توجهی در معرض بحران در یک یا چند زیر سیستم خود قرار دارد و به طور ویژه در برابر شوک‌های داخلی و خارجی و درگیری‌های داخلی و بین‌المللی آسیب پذیر است. در یک دولت شکننده، ترتیبات نهادی شرایط بحرانی را ایجاد، حفظ و یا تشدید می‌کند: از نظر اقتصادی، این می‌تواند نهادهایی (به طور مهم، حقوق مالکیت) باشد که رکود یا نرخ رشد پایین را تقویت می‌کند، یا نابرابری شدید در دسترسی به وسایل امرار معاش (در ثروت، در دسترسی به زمین) را موجب می‌شود. از نظر اجتماعی، نهادها ممکن است علت اصلی نابرابری شدید یا عدم دسترسی کامل به بهداشت یا آموزش باشند. از نظر سیاسی، نهادها ممکن است ائتلاف‌های پردکننده در قدرت (از لحاظ قومی، مذهبی یا شاید منطقه‌ای) یا جناح‌گرایی افراطی باشند و یا در این چارچوب سازمان‌های امنیتی به طور قابل توجهی از هم پاشیده شوند (Said, 2013: 22-26). نقطه مقابل «دولت شکننده»، «دولت باثبات» است؛ دولتی که در آن ترتیبات نهادی مسلط یا قانونی به نظر می‌رسد قادر به مقاومت در برابر شوک‌های داخلی و خارجی هستند و منازعات در محدوده ترتیبات نهادی حاکم باقی می‌ماند.

البته در ادبیات دولت ناتوان و شکننده بین دو مفهوم شکست دولت و فروپاشی دولت تمایز قائل می‌شوند. گرایش غالب این است که این دو مفهوم را مترادف یکدیگر دانسته می‌شود. شکست دولت یک اصطلاح مبتنی بر عملکرد است که به «ناتوانی یک دولت و متولیان آن در رسیدگی مناسب به نیازهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهروندانش اشاره دارد. از سوی دیگر، فروپاشی دولت مفهومی مبتنی بر فرایندی است که به ناتوانی دولت در بازتولید خود اشاره دارد و زمانی اتفاق می‌افتد که یک دولت دچار فروپاشی کامل کل نظم سیاسی، از جمله ساختارها و اقتدار دولت شود. در حالی که یک دولت فروپاشیده برای بازسازی خود نیاز به بازسازی کامل دارد، یک دولت شکست خورده را می‌توان از طریق سیستم حکومتداری بهبودیافته با ویژگی‌هایی مانند مشارکت مردمی، پاسخگویی، پاسخگویی، شفافیت و ارائه اجتماعی کارآمد اصلاح کرد. با این حال، در غیاب فرآیند بازسازی واقعی و فراگیر که به مسائل برجسته‌ای که باعث فروپاشی قبلی آن شدند، رسیدگی کند، دولتی که از یک فروپاشی بیرون می‌آید ممکن است دچار فروپاشی مجدد شود (Patrick, 2011: 69). به جهت تاریخی نمونه‌هایی از این دو پدیده در تحول دولت-ملت‌ها در جهان وجود داشته است. به طور نمونه حوادثی که منجر به

فروپاشی دولت سلطنتی در فرانسه شد؛ ظهور دولت دولت شوروی سابق از دولت فئودالی قدیمی در روسیه؛ همچنین ظهور دولت های جدید از آوار کشورهای قدیمی جنگ زده کنگو، لیبیا و رواندا در آفریقا پدیده فروپاشی دولت را نشان می دهد. از سوی دیگر وضعیت کشورهای چون سومالی، یمن و افغانستان می تواند نمونه هایی از کشورهای شکست خورده یا ناتوان باشد. در این مقاله از ادبیات دولت ناتوان به منظور بررسی وضعیت افغانستان زیر سایه حاکمیت طالبان و تهدیداتی که ماحصل وضعیت امروزی این کشور است مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

#### ۴. طالبان در افغانستان: تداوم یک دولت شکننده

صندوق صلح<sup>۱</sup> یک سازمان بین المللی و رهبر جهانی در «توسعه ابزارها و رویکردهایی برای کاهش تعارض است که تصویر روشنی از پیوند امنیت انسانی و توسعه اقتصادی براساس ابزار رویکردهای سیستمی به ارمغان می آورد. هدف آن جوامع صلح آمیزتر و مرفه تر از طریق سیستم های مهندسی مانند «روش های هوشمندتر و مشارکت هوشمندانه تر» است. صندوق صلح همچنین به سیاست گذاران، شاغلین و افراد جامعه (بر اساس زمینه خاص) قدرت می دهد که خطرات و آسیب پذیری ها را تشخیص می دهند. همچنین راه حل هایی را از طریق گفتگوی جمعی توسعه داده است (FFP, 2020). صندوق صلح شاخص کشورهای شکننده را بر اساس ارزیابی درگیری بر اساس چهار جزء کلیدی پیش بینی می کند که به عنوان "ابزار ارزیابی درگیری سیستم" نیز شناخته می شود؛ در قالب این چارچوب چارچوب آسیب پذیری ایالت های مربوط به راه حل های قبل از جنگ، درگیری فعال و پس از جنگ را اندازه گیری می کند که به طور گسترده ای توسط سیاست گذاران و دیگران استفاده می شود. در روش شناسی برای شاخص کشورهای شکننده، از هر دو شاخص کیفی و کمی استفاده می کند و شامل ۱۲ شاخص خطر درگیری برای تجزیه و تحلیل وضعیت اندازه گیری یک دولت هستند که رتبه بندی تعریف می کند که آیا یک ایالت شکننده است یا نه.

(۱) شاخص های انسجام - C1: دستگاه امنیتی C2: نخبگان جناحی C3: شکایت گروهی؛

(۲) شاخص های اقتصادی - E1: افول اقتصادی E2: توسعه ناهموار E3: مهاجرت

<sup>1</sup> . Fund for Peace (FFP)

<sup>2</sup> . Conflict Assessment System Tool ( Cast)

انسانی و فرار مغزها؛

۳) شاخص‌های سیاسی - P1: مشروعیت دولتی P2: خدمات عمومی P3: حقوق

بشر؛

۴) اجتماعی و مقطعی - S1: جمعیت شناسی S2: پناهندگان و آوارگان داخلی X1:

مداخله خارجی (FFP, 2020).

صندوق صلح، به طور سالانه شاخص کشورهای شکننده را منتشر می‌کند و در آخرین نسخه گزارش خود در سال ۲۰۲۳، رتبه افغانستان را ۷ برآورده کرده است؛ این بدان معناست که افغانستان در بین ۱۰ کشور شکننده و ناتوان برتر جهان قرار دارد. با این حال، افغانستان در پنج سال قبل از روی کار آمدن پیشرفت قابل توجهی در کاهش ناتوانی و شکنندگی دولت خود داشته است. جدول ذیل روند بهبود و افول شکنندگی دولت در افغانستان را نشان می‌دهد (FFP, 2023).

**جدول یک - شاخص شکنندگی دولت در افغانستان بین سالهای ۲۰۱۴-۲۰۲۳**

۲۰۲۳

سال	رتبه شکنندگی دولت	امتیاز شاخص شکنندگی دولت
2023	7th	106.6
2022	9th	105.9
2021	10 th	102.1
2020	9th	102.9
2019	9th	105.2
2018	9th	106.6
2017	9th	107.3
2016	9th	107.9
2015	8th	107.9
2014	7th	106.5

منبع: FFP, <https://fragilestatesindex.org/country-data/>

مانچاندا استدلال کرده است که «افغانستان یک دولت «شکست خورده»، «تروریست» یا «سرکش» است که خود از نظر سیاسی مصلحت‌آمیز و از نظر اخلاقی مشکل‌ساز است» (Manchanda, 2017). بازسازی پس از جنگ‌های مقطعی با طالبان و دیگر گروه‌های شورشی طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ حکایت از تلاش‌های مستمر برای برقراری دموکراسی در یک دولت شکننده داشته است. اما این تلاش‌ها از جهات مختلف بی‌ثمر بوده است؛ از یک سو دولت با بدنه‌ی اجرایی و نیروی انسانی ناکارآمد مواجه بوده است و از طرف قدرت سیاسی یکپارچه و سراسری را نتوانسته است ایجاد نماید و طی سالهای مذکور کشور بین دولت و حکومت طالبان تقسیم شده بود. حتی پس از تکمیل ماموریت نیروی

امنیتی بین‌المللی (آیساف) که در سال ۲۰۱۴ رسماً به پایان رسید، شکنندگی در افغانستان ادامه داشت و دارد. طبق گزارش نهایی کمیسیون اروپا در مورد «ارزیابی حمایت اتحادیه اروپا از برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در کشورهای شریک» نیز قابل تحلیل است که افغانستان یک کشور شکننده و متأثر از یک درگیری سیاسی است که به طور فزاینده‌ای بی‌ثبات است. این گزارش استدلال می‌کند که حتی پس از نتیجه انتخابات ۲۰۱۴، که به خودی خود یک روند طولانی و پیچیده بود، حکومت وحدت ملی جدید به دلیل منافع متفاوت و متضاد در میان مقامات دولتی، قادر به تشکیل دولت نبود (European Commission, 2015).

همچنین کمیسیون آکسفور-ال.اس.ای که در باب شکنندگی، رشد و توسعه دولتی فعالیت مشترک دارد در باب وضعیت افغانستان اذعان داشته است که: «افغانستان همچنان شکننده است و به شدت در برابر شوک‌ها حساس است... شکنندگی دولتی ریشه در تاریخ مدرن افغانستان دارد.»؛ این کمیسیون همچنین پنج ویژگی اصلی شکنندگی دولت را نشان می‌دهد: (۱) کسری مشروعیت، (۲) دولت فاقد ظرفیت‌های مالی و قانونی قوی است، (۳) سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی، به ویژه از سال ۲۰۱۴، به طور چشمگیری کاهش یافته است. (۴) ناامنی مشروعیت ضعیف دولت را تشدید کرده است؛ (۵) دولت مقاومت کمی در برابر شوک‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی از خود نشان می‌دهد (Bizhan, 2018: 4-5).

##### ۵. چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران

بیش از ۴۰ سال است که افغانستان با چالش‌های امنیتی و توسعه‌ای مواجه است که به نمادی از دولت آسیب دیده و ناتوان شده بواسطه تهاجم‌های خارجی تبدیل شده است (Stavrinou and Waller, 2020). نخستین تهاجم با حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹ آغاز شد و زمینه‌ساز دهه‌ها بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در این کشور شد. وضعیت نامناسب سیاسی و امنیتی این کشور به دنبال ظهور طالبان تشدید شد؛ موضوعی که از سال ۱۹۹۰ منجر به چالش‌های عمیق‌تری در این کشور شده است. در سال‌های بعد شورش و انتقال متعدد قدرت سیاسی دولت، این کشور را به سمت یک ناامنی پایدار سوق داده است. این موضوع امنیت و توسعه‌ی اقتصادی و متعاقب آن توسعه‌ی سیاسی و دموکراتیک این کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است.

بر اساس داده‌ای استخراجی افغانستان توسط بانک جهانی، افغانستان از سال ۲۰۱۴ با رشد آهسته‌ای روبرو بوده است، متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۲٫۳ درصد بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ بوده است. از سوی دیگر، فقر از سال ۲۰۱۱/۱۲ تا ۲۰۱۶/۲۰۱۷ به

ترتیب از ۳۸ به ۵۵ درصد افزایش یافته است، در بخش عمده ای از افغانستان که مردم آن زیر خط فقر ملی زندگی می کنند (Bharti,2022: 151-176). استانداردهای زندگی افغانستان به دلیل افزایش شرایط خشکسالی که بر کشاورزی از جمله برداشت گندم و ناامنی غذایی در بسیاری از مناطق کشور تأثیر می گذارد، به طور مداوم در معرض تهدید قرار دارد. از سال ۲۰۱۵، بیش از ۱,۷ میلیون افغان در داخل کشور آواره شده‌اند و بیش از ۶ میلیون نفر به کشورهای همسایه دیگر عمدتاً در ایران و پاکستان رفته اند. به طور کلی، افغانستان همچنان درگیر تنش و بی ثباتی است که به طور فزاینده ای بر توسعه انسانی و اقتصادی آن تأثیر گذاشته است.

همه این بحران های توسعه اجتماعی و اقتصادی با خروج نظامیان بین المللی از افغانستان از سال ۲۰۱۴ آغاز شده است. این بحران منجر به افزایش شورش ها و یک انتقال سیاسی دشوار شد که خطر و ناامنی آینده افغانستان را تشدید می کند. شاهد گسترش سریع طالبان در سرتاسر کشور بوده است. در برخی از ولسوالی های شرقی، کشور شاهد حضور گروه های شبه نظامی دیگری مانند دولت اسلامی خراسان (داعش) بوده است که وابسته به دولت اسلامی در عراق و سوریه (داعش) است.

دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) نشان داد که بیش از ۶۷۰۰۰۰ نفر در داخل کشور در سال ۲۰۱۶ آواره شده اند. بر اساس گزارش ماموریت کمک سازمان ملل متحد در افغانستان، ۳۴۰۳ غیرنظامی کشته، ۶۹۸۹ مجروح (UNAMA,2020) و بیش از ۱,۱ نفر وجود دارد. میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ آواره داخلی شدند (Refugee Youth Service,2021). مجموع تلفات غیرنظامیان در شش سال متوالی به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده است. گزارش اخیر بانک جهانی همچنین بیان می کند که وضعیت فقر افغانستان بیشتر آسیب پذیر و در معرض خطر است. پل زدن امنیت منجر به خطری برای امنیت انسانی می شود و کشور را به یک سیستم شکننده تبدیل می کند و افغانستان برای رفتن در مسیر توسعه تشنه ثبات است. شکست نظم سیاسی منجر به خشونت سیاسی می شود و امنیت یکی از دیوارهای امنیتی کلیدی هر دولتی است که در مورد افغانستان هم اکنون شکسته شده است. اینها بر توسعه و رشد اقتصادی تأثیر می گذارند و کشور در وضعیت اقتصادی بدتری قرار دارد. رشد تولید ناخالص داخلی ۱,۸ درصد با مقداری بهبود بود. این در حالی بود که برای سال ۲۰۱۹ ۲,۹٪ (تخمین زده شده) بود (The World Bank,2020). براساس رتبه توسعه سازمان ملل متحد، افغانستان در سال ۲۰۱۸ از میان ۱۸۹ کشور ۱۷۰ بود و همانطور که توسط بانک جهانی اعلام شده است، بزرگترین چالش اقتصادی این کشور یافتن منبع رشد پایدار است. همه این شکست ها به دلیل جابجایی عظیم داخلی افغان

ها منجر به بحران انسانی می شود و امکانات اولیه به بزرگترین چالش برای منطقه تبدیل شده است. این کشور قبلاً با چالش های زیست محیطی مانند کمبود آب مواجه بوده است. همه اینها علت و نشانه سیستم های شکننده هستند و افغانستان نمونه عالی این رویکرد سیستمی و همه آن متغیرهایی است که بر استدلال این مطالعه گواهی می دهند.

با بازگشت مجدد نیروهای طالبان به رأس قدرت سیاسی در افغانستان در سال ۲۰۲۱ و پس از خروج آمریکا از این کشور، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از حاکمان جدید افغانستان استقبال کرده و تاکید کرده است که تهران سیاست خود را بر اساس رفتار طالبان استوار خواهد کرد. آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در سخنرانی خود در ۶ شهریور ۱۴۰۰ اذعان داشت: «...به هر حال ما طرفدار ملت افغانستان هستیم. دولتها می آیند و می روند. آنکه باقی می ماند، ملت افغانستان هستند. و نوع رابطه ما با دولت‌ها بستگی دارد به نوع رابطه آنها با ما.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۶/۶). مقامات ایرانی خروج ایالات متحده را در واقع تسلیم شدن به طالبان، یک گروه شبه نظامی نسبتاً کوچک و ایدئولوژیک می دانند. تهران اخیراً روابط خود را با طالبان، یک دشمن سرسخت، بازتعریف کرده است. در سال ۱۹۹۸، پس از قتل تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی توسط طالبان، ایران و افغانستان تقریباً وارد جنگ شدند. اما پس از ۱۱ سپتامبر و شورش طالبان علیه ناتو/آمریکا. با اشغال افغانستان، تنش‌های ایران و افغانستان به عقب نشست، زیرا تهران از دردهایی که طالبان برای حضور نظامی ایالات متحده در آنجا ایجاد کرده بود استقبال کرد. با این حال، تنها در سال ۲۰۱۵ بود که روابط تهران و طالبان توجه بین المللی را به خود جلب کرد. از آن زمان به بعد، ایران به تدریج تماس‌های خود را با طالبان برقرار کرد و آن را به عنوان تلاشی برای آشتی دادن منافع رقیب در یک کشور همسایه توجیه کرد (FathollahNejad&Azizi,2022).

علیرغم فرصت‌های واقعی و بالقوه ایران در افغانستان، تحکیم حاکمیت طالبان نیز می تواند چالش‌های جدی برای امنیت ایران به همراه داشته باشد. نخست، رویکرد طالبان به شیعیان محلی تأثیر بسزایی در روابط تهران و کابل خواهد داشت. طالبان در طول حاکمیت خود در دهه ۱۹۹۰، به دلیل ایدئولوژی قوی ضدشیعی خود، که در آزار و اذیت، شکنجه و کشتار اقلیت شیعه هزاره منعکس شده بود، شناخته شده بود. در حال حاضر، ایران به طور علنی تصویر طالبان اصلاح شده را حفظ می کند که به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی احترام می گذارد. در واقع، در هفته‌های اخیر، طالبان تلاش کرده‌اند تا تهران را در مورد این موضوع اطمینان دهند، از جمله با اجازه دادن به شیعیان برای برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در افغانستان. (FathollahNejad &Azizi,2022). با این حال، مشخص نیست که

آیا طالبان پس از تحکیم حکومت خود به این کار ادامه خواهند داد یا خیر؛ این مساله از اهمیت زیادی برخوردار است که، حتی اگر رهبران طالبان مایل به دنبال کردن یک سیاست عملگرایانه‌تر در این زمینه باشند، هیچ تضمینی وجود ندارد که عناصر رادیکال‌تر این گروه، یا حتی افراد عادی، اطاعت کنند. این موضوع در درگیری‌های یک سال اخیر در مرز بین ایران و افغانستان خود را نشان داد. سیاست فشار بر شیعیان افغانستان از سوی طالبان ممکن است به تنش‌های دوجانبه یا حتی درگیری منجر شود.

دومین چالش امنیتی در افغانستان برای ایران، رویکرد بسیار قوم‌گرایانه و انحصاری طالبان به قدرت و فقدان اراده آنها به منظور تشکیل یک دولت «فراگیر» است. ایران همواره بر ایجاد یک «دولت فراگیر» که متضمن مشارکت همه‌ی گروه‌های سیاسی و قومی-مذهبی در افغانستان از سوی طالبان تأکید کرده است. فهرست اعلام‌شده از سوی طالبان نشان می‌دهد که نگاه سیاسی تمام اعضای دولت، همگی عضو گروه طالبان و از شخصیت‌های برجسته این گروه‌ها و هیچ یک از جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی دیگر افغانستان در این فهرست حضور ندارند؛ هرچند طالبان، اعلام کرده که این دولت، موقت است و در دولت آینده، افراد بیشتری از دیگر اقوام حضور خواهند داشت. از نگاه قومی، اکثریت مطلق افراد اعلام‌شده به قوم پشتون تعلق دارند و فقط مولوی عبدالسلام حنفی به عنوان معاون دوم از قوم ازبک و قاری دین محمد حنیف و قاری فصیح‌الدین، فرمانده ارتش تاجیک هستند (خبرگزاری فارس، ۱۹/۶/۱۴۰۰).

در میان رهبران طالبان، شخصیت‌های نزدیک به پاکستان اکثریت کابینه را دارند. این کاملاً در تضاد با تمایل ایران برای یک دولت فراگیرتر است، که در آن حداقل آن دسته از گروه‌های طالبان نزدیک به تهران در آن حضور داشته باشند. علی شمخانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران با انتشار پیامی در توئیتر، نارضایتی تهران را از ترکیب حکومت طالبان اعلام کرد (ایرانا، ۲۹/۶/۱۴۰۰). نفوذ بیش از حد پاکستان می‌تواند منافع ایران را در برخی از مناطق مهم تهدید کند، از جمله در بندر چابهار که قرار بود هند را از طریق افغانستان به آسیای مرکزی متصل کند و به عنوان رقیب بندر گوادر پاکستان تلقی می‌شد. علاوه بر این، پاکستان تنها دولتی نیست که نقش خود را در صحنه ژئوپلیتیک افغانستان بازتعریف می‌کند. قطر که سال‌ها میزبان دفتر سیاسی طالبان بوده و در عین حال نقش کلیدی در تسهیل دیپلماسی ایالات متحده و طالبان ایفا می‌کند. اگرچه برخلاف بسیاری از دیگر پادشاهی‌های خلیج فارس، قطر در سال‌های اخیر عموماً روابط مطلوبی با تهران داشته است، اما دو کشور روی طیفی از مسائل مهم منطقه‌ای از جمله بحران سوریه دارای اختلافاتی با یکدیگر هستند. ترکیه، متحد نزدیک قطر نیز می‌تواند از این موقعیت به

نفع خود استفاده کند. تمایل ترکیه برای ایفای نقش فعال تر در افغانستان، از جمله در تامین امنیت فرودگاه بین المللی کابل، و همچنین همکاری اقتصادی با رژیم جدید، می تواند ایران را در موقعیت دشواری قرار دهد. افزایش حضور ترکیه در افغانستان، همراه با پایگاه اخیر آنکارا در قفقاز جنوبی، می تواند موقعیتی را ایجاد کند که در آن ایران عملاً خود را در محاصره استراتژیک رقیب منطقه ای خود بیابد (Bolourchi, 2021).

چالش سوم امنیتی برای ایران، گسترش فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان و در نزدیک مرزهای کشور است. اگر طالبان نتوانند ثبات و امنیت را در افغانستان برقرار کنند و گروه‌های افراطی و تروریستی مانند داعش و القاعده را بازدارند، ایران بار دیگر در مرزهای شرقی خود با تهدید جدی مواجه خواهد شد. در واقع، هنوز مشخص نیست که آیا طالبان واقعاً روابط خود را با شبکه تروریستی جهانی القاعده قطع کرده اند یا خیر. علاوه بر این، شاخه افغان داعش، موسوم به دولت اسلامی خراسان (ISKP)، می تواند از بی ثباتی مداوم استفاده کند و به طور بالقوه به تهدیدی جدی برای منطقه تبدیل شود. واقعیت مهمی که وجود دارد این است که تهدید واقعی در افغانستان امروز القاعده نیست، بلکه دولت اسلامی خراسان (معروف به داعش-K) است. همانطور که دیوید پترائوس، رئیس سابق سیا به سی ان ان گفت، «آنها کسانی هستند که مهم ترین حملات را در افغانستان انجام می دهند و تلاش می کنند جنگ داخلی فرقه ای را دامن بزنند» (Maeda, 2022). داعش-ک مسئول بمب گذاری هولناک در فرودگاه کابل در ۲۶ اوت بود که در آن ۱۷۰ غیرنظامی افغان و ۱۳ سرباز آمریکایی کشته شدند. این سازمان مرتباً گروه‌های اقلیت، به ویژه هزاره‌های شیعه را هدف قرار می دهد و گمان می رود که از زمان تشکیل آن در سال ۲۰۱۵، مسئول هزاران مرگ باشد.

طالبان «داعش» را یک «فرقه فاسد» اعلام کرده و افغان ها را از برخورد با آن منع کرده اند. زمانی که ارتش ایالات متحده در افغانستان بود، به طور ضمنی با طالبان برای هدف قرار دادن داعش همکاری کرد. در حال حاضر، این گروه فقط می تواند بمباران‌های پراکنده و عملیات‌های تروریستی و خرابکارانه انجام دهد، اما هدف آن تسلط بر کشور و ایجاد یک دولت اسلامی، سرسخت تر از طالبان و یا القاعده است. به علاوه این که جاه طلبی های فراملی دارد. با ادامه بدتر شدن وضعیت اقتصادی در افغانستان، افراد فقیر و با توان مالی اندک و همچنین اعضای رادیکال طالبان، بیشتر تحریک خواهند شد تا به این گروه افراطی بپیوندند (Boys, 2022: 1216-1234). ایران به عنوان همسایه بی واسطه افغانستان، با مبرم ترین چالش های امنیتی ناشی از موج جدید تروریسم بالقوه ناشی از این

کشور مواجه است.

چالش چهارم امنیتی دیگری که تهران با آن مواجه است و باعث تعامل آن با طالبان می‌شود، «تامین امنیت مرزهایش» است. تهران می‌خواهد از بروز درگیری آشکار بین طالبان و دولت اسلامی خراسان و سایر گروه‌های تروریستی و همچنین اقلیت‌های افغان مانند هزاره‌ها و تُرک‌های ازبک و گروه‌های مخالف مانند نیروهای مقاومت ملی جلوگیری کند. ایران به‌ویژه نسبت به بی‌ثباتی در افغانستان محتاط است، زیرا چنین نوسانی تعداد پناهندگان و میزان قاچاق به ایران را افزایش می‌دهد. با توجه به ادامه بحران کوئید و اقتصادی، تهران نمی‌خواهد با موج جدیدی از مهاجرت (آخرین برآورد کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل تعداد کل این مهاجران را حدود ۴٫۵ میلیون برآورد کرد)، قاچاق مواد مخدر (تقریباً ۱۰۰ تن در سال) و فعالیت‌های افراط‌گرایان رادیکال در مرزهای شرقی خود مواجه شود. علاوه بر این، تهران نمی‌خواهد به فرصت‌طلبان فضایی برای ایجاد درگیری بیشتر در جنوب و شرق ایران، جایی که مردمان و جمعیت سنی قابل توجهی وجود دارد که بعضاً از هواداران طالبان و القاعده هستند، باز کند. تهران مدعی شده است که این گروه‌ها از شورش‌ها بر سر منابع به عنوان فرصت‌هایی برای تضعیف دولت استفاده کرده‌اند. از جمله گروه‌های جدایی‌طلب سلفی جیش‌العدل و انصار‌الفرقان هستند که گروه دوم پس از اعدام عبدالملک ریگی، رهبر گروه، توسط اعضای جنرال‌الله تأسیس شد (Bolourchi, 2021). بنابراین، تهران با دنبال کردن یک خط عمل‌گرایانه، به جای دشمنی با طالبان، به دنبال ارتباط محتاطانه با طالبان بوده است؛ ایران یکی از هشت کشوری است که هنوز سفارت خود را در کابل (به همراه روسیه، چین، پاکستان، قطر، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) فعال نگه داشته است.

پنجمین چالشی که می‌توان آن را به چالشی امنیتی برای ایران تعریف کرد، مساله تأمین آب از افغانستان برای هیرمند و مناطق شرقی خود است. دو کشور در سال ۱۹۷۳ قراردادی را امضا کردند که بر اساس آن افغانستان باید سالانه ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب از حوضه فرامرزی رودخانه هیرمند آزاد کند. با این حال، این معاهده برای چندین دهه به دلیل جنگ‌ها و درگیری‌ها اجرا نشد که زیرساخت‌های آبیاری و برق آبی افغانستان را به هم ریخت. از زمان آغاز مجدد ساخت سد در سال ۲۰۱۱، مقامات افغان و ایران در مورد میزان آب آزاد شده و نقش تهران در حمایت از نفوذ طالبان در برابر پروژه‌های سدهای متعدد اختلاف نظر داشتند. در اوایل سال جاری، رئیس‌جمهور وقت افغانستان، اشرف غنی، تعهد دولت خود را به این معاهده دوجانبه تکرار کرد، اما تاکید کرد که تهران باید

برای هر مقدار اضافی که می‌خواهد پردازد: «اگر نفت به ما بدهید، می‌توانید آب (بیشتر) درخواست کنید. یا در عوض چیزی به ما بده.» غنی تاکید کرد که افغانستان «آب مجانی به کسی نخواهد داد». (Bolourchi, 2021). با تسلط طالبان، مردم محلی در شبکه‌های اجتماعی تاکید کردند که این گروه به دستور تهران آب را از سد کمال خان به ایران رها کرده است. طالبان این گزارش‌ها را تکذیب کرد و گفت که بسته شدن و رهاسازی آب ربطی به ایران ندارد (Bharti, 2022: 151-176). این در حالی است که به علت به وجود بحران آب در مناطق شرق ایران از جمله ۱۴۰ هزار هکتار از زمین‌های زاہل، دولت و مردم با مشکلات رو به رو شدند (صفوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۹-۱۴۳). ایران با طیف وسیعی از چالش‌های زیست محیطی از جمله آلودگی، دمای بالا، سیل، سوء مدیریت و دریاچه‌های در حال محو شدن مواجه است. همکاری با طالبان و سایر همسایگان برای رفع این نگرانی‌ها اولویتی است که موقعیت امنیت ملی آن را ارتقا می‌دهد.

مساله امنیتی ششم را باید قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران از طریق مجاری غیررسمی دانست. ایران به شدت نگران تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های جنایی و مافیایی مرتبط با آن است. ایران یکی از کشورهای پیشرو در مبارزه با تجارت مواد مخدر در جهان است و ۷۰۰ میلیون دلار در این کمپین هزینه کرده است. ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۸۱۴ هزار و ۴۷۷ کیلوگرم مواد مخدر کشف و ضبط کرده است. هزاران نیروی امنیتی ایران در جنگ مواد مخدر کشته شده‌اند. در سال ۲۰۱۹، ۲۳۱۹ درگیری با قاچاقچیان مواد مخدر رخ داد و پنج مامور مبارزه با مواد مخدر ایران کشته شدند (Tehran Times, 2020). تولید انحصاری تریاک در افغانستان و تجارت جهانی آن چنان ساختار شبکه‌ای گسترده و پیچیده‌ای دارد که می‌توانیم از آن با نام ژئوپلیتیک مواد مخدر یاد کرد. برخی از ویژگی‌های این عرصه‌ی ژئوپلیتیکی عبارت‌اند از گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری، سود خالص ۵۰۰ میلیارد دلاری، وجود ساختار شبکه‌ای جهانی و بازیگرانی در سه سطح ملی، منطقه و جهانی، وجود سازمان‌های مافیایی بین‌المللی به عنوان اصلی‌ترین بازیگران این صنعت پرسود، استفاده از این ابزار برای تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ناامنی در مرزهای شرقی کشور، شکست دولت افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با کشت تریاک، کشت تریاک به عنوان منبع مالی اصلی گروه‌های تروریستی چون القاعده و طالبان و در نهایت نقش تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان به عنوان مهمترین عامل بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در این کشور (صفوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۱-۱۷۶). ایران با سرمایه‌گذاری در شرق افغانستان و در هرات به اقدامات تهاجمی در مبارزه با مواد مخدر

دست زده است تا وسایل زندگی جایگزینی را فراهم کند. این کشور غرب به ویژه ایالات متحده را به دلیل شکست آن در توقف کشت خشخاش در افغانستان مقصر دانسته است. این کشور همچنین طالبان را به کشت خشخاش برای تامین مالی عملیات خود و استفاده از ایران به عنوان مسیر ترانزیتی برای قاچاق مواد مخدر به اروپا متهم کرده است.

در نهایت هفتمین چالش امنیتی دیگری که دولت ناتوان افغانستان و ظهور مجدد طالبان به قدرت در این کشور باعث تشدید آن شده است، مساله‌ی «مهاجرت رسمی و غیررسمی افغانستانی‌ها» به ایران است. میزان مهاجرت از افغانستان به ایران از ماه آگوست سال ۲۰۲۱ که طالبان قدرت را در اختیار گرفت، رشد کرد اما این موج مهاجرتی به مرور کندتر شد. در نیمه اول سال ۲۰۲۳ حدود ۲۳۳۰۰۰ افغان با مدارک معتبر مسافرتی به ایران رفتند. میانگین تردد روزانه ۱۲۸۸ نفر بود. از اواسط ماه مه تا پایان ژوئن، تقریباً ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ افغانی فاقد مدرک (عمدتاً مردان مجرد و گروه‌های کوچک خانواده) از طریق گذرگاه‌های غیررسمی به صورت هفتگی به ایران رفته‌اند. گزارش کمیساریا نشان می‌دهد حدود ۸۲ درصد از تردهای افغانستانی‌ها به ایران از گذرگاه‌های رسمی و به صورت غیرقانونی صورت می‌گیرد. در حالی که حدود ۹۶ درصد تردها به پاکستان از گذرگاه‌های رسمی و به شکل قانونی انجام می‌گیرد (دیاران، ۱۴۰۲/۶/۲۹). مساله‌ی مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران اگرچه عمری بیش از ۵۰ سال دارد، اما این روند طی سه دهه اخیر و به موازات ضعف و ناتوانی بیشتر دولت افغانستان در ارائه خدمات و انجام کارکردهای خود، بیشتر شده است. مهاجرت افغانستانی‌ها به چند جهت دارای ریسک امنیتی است: از یک سو این جمعیت می‌تواند باعث فشار اقتصادی و خدماتی و کارکردی بر دولت ایران باشد؛ از سوی دیگر ورود مهاجرین به صورت غیررسمی و ناشفاف می‌تواند تحرکات تروریستی و ضدامنیتی در ایران را افزایش دهد و در نهایت به جهت اجتماعی نیز منجر به افزایش تضادهای بین قومی و تشدید احساسات ضدافغانستانی و ضدایرانی برای دو طرف باشد. امواج افغان هراسی در فضای مجازی ایران و خلق هشتک‌های ضدافغانی همراه با روایت‌های نادقیق از حضور مهاجرین نشان‌دهنده افزایش تضادهای قومی است.

### نتیجه‌گیری

دولت‌های ناتوان امروزه طی دو دهه‌ی اخیر به یکی از واقعیت‌های دنیای امروز بدل شده‌اند؛ دولتهایی که ناتوان از ارائه کارکردهای خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و امنیتی هستند؛ و با ناکارآمدی خود فضای داخل و پیرامونی خود را درگیر بحرانهای عدیده‌ای می‌کنند. کشور افغانستان را باید یکی از مهمترین

دولت‌های ناتوان دانست که طی سه دهه اخیر نتوانسته است چرخه معیوب جنگ و خشونت را در داخل خود متوقف نماید و امروزه به یکی از کشورهای بحران‌ساز تبدیل شده است. ایران با داشتن بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک در خط مقدم مواجهه با نتایج ناکارآمدی و ناتوانی دولت افغانستان طی چند دهه‌ی اخیر بوده است؛ با توجه به این موضوع مقاله حاضر با تأکید بر تأثیرات امنیتی این کشور بر جمهوری اسلامی ایران به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که ناتوانی دولت طالبان در افغانستان موجب چه تهدیدات و چالش‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران شده است و برای کاهش این تهدیدات چه راهکاری وجود دارد؟. بررسی و تحلیل این موضوع نشان داده است که ناتوانی دولت در افغانستان به ویژه پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در رأس قدرت سیاسی این کشور باعث بروز تهدیدات امنیتی چون رفتار طالبان با شیعیان افغانستان، رویکرد قوم‌گرایانه و انحصاری در تشکیل دولت، گسترش فعالیت‌های تروریستی، تأمین امنیت مرزها، مهاجرت غیررسمی مهاجرین افغانی، مساله آب و حق آب و قاچاق موادمخدر برای ایران شده است. به همین منظور به عنوان یک راهکار قابل دسترس و موثر به نظر می‌رسد مداخله سازمان‌های بین‌المللی با همراهی و مشارکت کشورهای همسایه افغانستان و قدرتهای فرامنطقه‌ای به منظور تقویت کارآمدی و قدرت دولت در افغانستان در چارچوب اعمال دکترین مسئولیت حمایت می‌تواند اثرات این تهدیدات امنیتی را برای ایران کاهش دهد.

### پیشنهاد سیاستی

به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت پیچیده و چندلایه‌ی سیاسی و اقتصادی در افغانستان از یک سو و وجود یک ساخت دولتی ناکارآمد و ناتوان در حل معضلات و مشکلات این کشور، ایجاد یک اراده‌ی بین‌المللی معطوف به حل مسائل افغانستان و ارتقای سطح کارکردی و فراگیری دولت در این کشور ضروری است. این مداخله بایستی با مشارکت کشورهای همسایه به ویژه ایران در سطح منطقه‌ای و با مشارکت قدرت‌ها، نهادها و سازمانهای پاسخگوی بین‌المللی در سطح فرامنطقه‌ای صورت گیرد. با توجه به داده‌های بین‌المللی دولت‌های ناتوان به عنوان پناهگاه اصلی گروه‌های تروریستی بین‌المللی، نقش فزاینده‌ای در رشد و پرورش این تروریسم داشته‌اند. افغانستان خطر نادیده گرفتن دولت‌های شکست خورده یا دولت‌های ناتوان را نشان داده است. این کشور به پایگاهی تبدیل شده است که از آنجا حملات تروریستی گسترده انجام شده است. با تلقی تروریسم به عنوان جنایت علیه بشریت، براساس تئوری مسئولیت حمایت، مداخله جامعه جهانی تحت رهبری شورای امنیت در دولت‌های ناتوان برای مقابله با تروریسم بین‌المللی موجه و

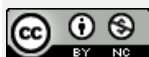
ضروری است. با وجود آنکه ماهیت مسئولیت حمایت تا حد فراوانی مبتنی بر مسئولیت دولت در حمایت از ساکنان قلمرو آن است، اما این قاعده عرفی در حال ظهور، شامل اقدامات جامعی است که به وضوح به موقعیت‌های ضعف و ناتوانی دولت مرکزی مربوط می‌شود. مسئولیت حمایت به عنوان نگرش جایگزین و تکامل یافته در مواجهه با ناکارآمدی نهادهای دولتی راه حل‌های بسیاری را ارائه می‌دهد که با وجود نفوذ روزافزون سیاست و حتی اقتصاد در حقوق بین‌الملل، همچنان بی‌بدیل‌ترین راه حل به نظر می‌رسد.

بان کی مون، دبیرکل سابق سازمان ملل، در سال ۲۰۰۹ گزارشی با عنوان اجرای مسئولیت حمایت منتشر کرد. «مسئولیت حمایت» یک مفهوم در حال تحول در مورد وظایف دولت‌ها برای جلوگیری و پایان دادن به اعمال خشونت علیه مردم است و هدف آن ارائه یک مبنای حقوقی و اخلاقی برای مداخله بشر دوستانه است (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۵۶). در این گزارش به سه مرحله در اجرای مسئولیت حمایت اشاره شده است که شامل مسئولیت اولیه دولت مرکزی در حمایت از ساکنان آن، مسئولیت جامعه جهانی در توانمندسازی دولت مربوطه در جهت انجام تعهدات و وظایف خود و در نهایت در صورت لزوم پاسخ قاطع و به موقع جامعه بین‌المللی برای ایجاد ثبات در کشور مربوطه می‌باشد. در این زمینه و در راستای حمایت از چنین دولت‌هایی، این گزارش رویکرد دقیق‌تری را اتخاذ کرده و تعهدات مندرج در سند نهایی اجلاس را بسط می‌دهد (Hipold, 2014: 19-22).

آنچه در مقاله حاضر و به منظور کمک به کشور ناتوان افغانستان بر آن به مثابه یک راهکار چندجانبه و موثر تمرکز تأکید می‌شود مرحله دوم مسئولیت حمایت است. در واقع بعد دوم که بر توانمندسازی دولت‌ها و به طور دقیق‌تر بر هر کاری که جامعه بین‌المللی می‌تواند برای کمک به دولت‌ها در انجام وظایفشان انجام دهد تمرکز دارد، در مقابل ناتوانی دولت مرکزی مفیدتر است. زمانی که رهبری سیاسی دولت در نحوه اداره قلمرو خود ضعیف و ناتوان است و قادر به حفاظت مؤثر از مردم نیست، یا در مواجهه با نیروی نظامی مخالفی که مرتکب جنایات گسترده می‌شود، جنبه مهمی از اقدامات حمایتی که شامل سازوکارهای طرف‌های درگیر در مناقشه، واکنش سریع غیرنظامیان و پلیس، اقدام فوری در مواقع اضطراری، اقدامات پیشگیرانه سازمان ملل متحد با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای، کمک به اصلاحات و اقدامات اصلاحی در ساختار سیاسی دولت مذکور و استقرار حاکمیت قانون مهم است، اهمیت خودش را نشان می‌دهد. براساس رویکرد جدید

حکمرانی و با توجه به پیامدهای اجتناب ناپذیر ناتوانی دولت‌ها برای جامعه بین‌المللی، دولت مرکزی نمی‌تواند از پذیرش کمک و حمایت سایر دولت‌ها برای غلبه بر بحران‌های داخلی خود جلوگیری کند و در مواردی که ضرورت مداخله وجود دارد، مجوز شورای امنیت برای مداخله کافی است و نیازی به اجازه دولت مربوطه نیست.

**استناد به این مقاله:** محقق، محمد تقی، بلیک، ژانت. (۱۴۰۳). دولت شکننده‌ی افغانستان و تهدیدات امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر بازه زمانی ۲۰۲۱ به بعد)، فصلنامه علمی *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۸(۶۸)، ۱۸-۳.



The Islamic Revolution Approach Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

Kamrava, M. (2016). **Fragile politics: Weak states in the Greater Middle East**. Oxford University Press.

Manchanda, N. (2017). Afghanistan: The production of a 'failed' state. **Politics: Special Issues**, 15th October 2017. Retrieved from <http://politicsblog.ac.uk/2017/10/15/afghanistan-production-failed-state/>.

Medea, B. (2022). The Taliban or a failed state? Helping to prevent the Afghan economy from collapsing is in the interest of Afghans, the region, and the United States as well. **FPIF**, August 9.

Pate, A. (2019). The challenges of terrorism in a globalized world. In J. L. Black, M. Johns, & A. D. Theriault (Eds.), **The new world disorder: Challenges and threats in an uncertain world** (pp. 189-206). London: Lexington Books.

Patrick, S. (2011). **Weak links: Fragile states, global threats, and international security**. Oxford University Press.

Rotberg, R. I. (2003). Failed states, collapsed states, weak states: Causes and indicators. In **State failure and state weakness in a time of terror** (pp. 25-50). Washington, D.C.: Brookings Institution Press.

Said, N. W. (2013). **Failed or fragile states in international power politics**. Master's thesis for International Affairs at the City College of New York.

Stavrinou, R., & Waller, N. (2020). The EU needs an Afghanistan policy. **New Europe**. Retrieved from <https://www.neweurope.eu/article/the-eu-needs-an-afghanistan-policy/>.

The United Nations (2020b). The Sustainable Development Agenda 2030. The United Nations. Retrieved from <https://www.un.org/sustainabledevelopment/development-agenda/>.

Tookhy, F. (2022). Iran's response to the Taliban's comeback in Afghanistan. **United States Institute of Peace**, August.

United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA) (2020). Afghanistan:

## منابع و مآخذ:

-خبرگزاری فارس (۱۴۰۰). اعضای کابینه طالبان از کدام قومیت‌های افغانستان هستند؟. ۱۹ شهریور ۱۴۰۰

-دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، (۱۴۰۰). **بیانات مقام معظم رهبری در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم**، ۱۴۰۰/۶/۶ -دیاران (۱۴۰۲).

-**آخرین آمار مهاجرت- از افغانستان به ایران** (نیمه اول سال ۲۰۲۳). ۲۹ شهریور ۱۴۰۲.

-صفوی، سیدیچی؛ اسلامی، الماس؛ کیاکجوری، کیانوش (۱۴۰۲). «نوطالابانسیسم در افغانستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، (۳)۵، صص ۱۱۹-۱۴۳.

-عباس‌زاده مرزبالی، محسن؛ طالاشی، کتلی، کوثر (۱۴۰۱). «طالبان و بازیابی حاکمیت: جنبش قوی، دولت-ملت ضعیف»، **مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، (۵)۲، صص ۱۰۵-۱۳۰. ۲۱۴-

Fathollah-Nejad, A., & Azizi, H. (2021). Iran – and the Taliban after the US fiasco in Afghanistan. **Middle East Institute**, September 22, 2021.

Bharti, S. S. (2022). Confronting Afghanistan's security and development challenges: A contribution of the European Union. **Geopolitics Quarterly**, 18(68), 151-176.

Bizhan, N. (2018). **Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The case of Afghanistan**. London: The LSE-Oxford Commission on State Fragility, Growth, and Development.

Bolourchi, N. (2021). Iran's strategy in Afghanistan: Pragmatic engagement with the Taliban. **Newlines Institute**.

Boys, J. D. (2022). Strategic ambiguity: The U.S. grand strategy initiative in Afghanistan. **Policy Studies**, 43(6), 1216-1234.

European Commission (2015). Evaluation of EU support to gender equality and women's empowerment in partner countries. Final report, Volume 1: Main report, April 2015. **Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)**.

Hilpold, P. (2014). **Responsibility to protect (R2P): A new paradigm of international law?** Leiden: Brill Nijhoff.

- Kamrava, M. (2016). *Fragile politics: Weak states in the Greater Middle East*. Oxford University Press.
- Manchanda, N. (2017). Afghanistan: The production of a 'failed' state. *Politics: Special Issues*, 15th October 2017. Retrieved from [Politics Blog](#).
- Medea, B. (2022). The Taliban or a failed state? Helping to prevent the Afghan economy from collapsing is in the interest of Afghans, the region, and the United States as well. *FPIF*, August 9.
- Pate, A. (2019). The challenges of terrorism in a globalized world. In J. L. Black, M. Johns, & A. D. Theriault (Eds.), *The new world disorder: Challenges and threats in an uncertain world* (pp. 189-206). London: Lexington Books.
- Patrick, S. (2011). *Weak links: Fragile states, global threats, and international security*. Oxford University Press.
- Rotberg, R. I. (2003). Failed states, collapsed states, weak states: Causes and indicators. In *State failure and state weakness in a time of terror* (pp. 25-50). Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
- Said, N. W. (2013). Failed or fragile states in international power politics. Master's thesis for International Affairs at the City College of New York.
- Stavrinou, R., & Waller, N. (2020). The EU needs an Afghanistan policy. *New Europe*. Retrieved from [New Europe](#).
- The United Nations. (2020b). *The Sustainable Development Agenda 2030*. The United Nations. Retrieved from [United Nations](#).
- Tookhy, F. (2022). Iran's response to the Taliban's comeback in Afghanistan. *United States Institute of Peace*, August.
- United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). (2020). *Afghanistan: 10,000 civilian casualties for sixth straight year*. United Nations Assistance Mission in Afghanistan. Retrieved from [UNAMA](#).
- Verma, R. (2022). US-Taliban peace deal and regional powers as potential spoilers: Iran as a case study. *Int Polit*, 59, 260-279. Fund for Peace (July 30, 2020). *Indicators*. Fund for Peace. Retrieved from [Fund for Peace](#).
- Fund for Peace (July 30, 2023). *Indicators*. Fund for Peace. Retrieved from [Fund for Peace](#).
- Fund for Peace-FFP (July 30, 2020). *Who we are?* Fund for Peace. Retrieved from [Fund for Peace](#).
- International Crisis Group (2017). *Afghanistan: Growing challenges*. International Crisis Group. Retrieved from [International Crisis Group](#).
- 10,000 civilian casualties for sixth straight year. **United Nations Assistance Mission in Afghanistan**. Retrieved from <https://unama.unmissions.org/afghanistan-10000-civilian-casualties-sixth-straight-year>.
- Verma, R. (2022). US-Taliban peace deal and regional powers as potential spoilers: Iran as a case study. *Int Polit*, 59, 260-279. Fund for Peace (July 30, 2020). *Indicators*. Fund for Peace. Retrieved from <https://fragilestatesindex.org/indicators/>.
- Fund for Peace (July 30, 2023). *Indicators*. Fund for Peace. Retrieved from <https://fragilestatesindex.org/indicators/>.
- Fund for Peace-FFP (July 30, 2020). *Who we are?* Fund for Peace. Retrieved from <https://fundforpeace.org/who-we-are/>.
- International Crisis Group (2017). *Afghanistan: Growing challenges*. International Crisis Group. Retrieved from <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/afghanistan/afghanistan-growing-challenges>.
- Fathollah-Nejad, A., & Azizi, H. (2021). Iran and the Taliban after the US fiasco in Afghanistan. *Middle East Institute*, September 22, 2021.
- Bharti, S. S. (2022). Confronting Afghanistan's security and development challenges: A contribution of the European Union. *Geopolitics Quarterly*, 18(68), 151-176.
- Bizhan, N. (2018). Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The case of Afghanistan. London: The LSE-Oxford Commission on State Fragility, Growth, and Development.
- Bolourchi, N. (2021). Iran's strategy in Afghanistan: Pragmatic engagement with the Taliban. *Newlines Institute*.
- Boys, J. D. (2022). Strategic ambiguity: The U.S. grand strategy initiative in Afghanistan. *Policy Studies*, 43(6), 1216-1234.
- European Commission. (2015). *Evaluation of EU support to gender equality and women's empowerment in partner countries*. Final report, Volume 1: Main report, April 2015. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).
- Hilpold, P. (2014). *Responsibility to protect (R2P): A new paradigm of international law?* Leiden: Brill Nijhoff.

- Fars News Agency. (2021). *Members of the Taliban Cabinet and Their Ethnic Backgrounds in Afghanistan*. September 10, 2021 {in Persian}.
- Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. (2021). *Supreme Leader's Speech at the First Meeting with the President and Members of the 13th Government*. September 6, 2021 {in Persian}.
- Diyarān. (2023). {in Persian}.
- Last Statistics on Migration from Afghanistan to Iran (First Half of 2023). (2023). September 29, 2023 {in Persian}.
- Safavi, S. Y., Islami, A., & Kiakajouri, K. (2023). *Neo-Talibanism in Afghanistan and Iran's National Security*. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 5(3), 119-143 {in Persian}.
- Abbaszadeh Marzbali, M., & Talashi-Kalti, K. (2022). *The Taliban and the Recovery of Sovereignty: Strong Movement, Weak Nation-State*. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(5), 105-130 {in Persian}.